فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاه‌ودوم، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۹۳-۱۱۰

تأثیر جغرافیای ناحیه جزیره بر سیاست دوگانه آل بویه در برابر حمدانیان (۳۶۷-۳۳٤)

سمیه بیاتی[۱]
زینب کریمی[۲]

چکیده

جزیره ناحیه‌ای بین دو رود دجله و فرات بود. این ناحیه در زمان تسلط خانـدان بویـه (حـک. ۳۲۲-۴۴۸) بـر بغـداد در سـال ۳۳۴ در اختیـار حمـدانیان (حـک. ۲۹۳-۳۹۴) قـرار داشـت. معزالدوله پس از تسلط بر بغداد نبردهای متعددی با ناصرالدوله حمدانی انجـام داد و سـرانجام حمدانیان را به‌عنوان والیان جزیره پذیرفت. روابط عزالدوله نیز با حمـدانیان دوسـتانه بـود امـا فارغ از جنگ نبود. نوشتار حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و با استناد به کتاب‌هـای دسـت اول تاریخی و جغرافیایی به دنبال پاسخ به این مسئله است که جغرافیای جزیره چـه تـأثیری بر ایجاد سیاست دوگانه آل بویه در برابر حمدانیان در سال‌هـای ۳۳۴ تـا ۳۶۷ داشـته اسـت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جغرافیای اقتصادی جزیره موجب شکل‌گیـری سیاسـت خصمانه بین آل بویه و حمدانیان شده بود. جزیره نه‌تنها تأمین کننده آذوقه، خواروبار و علوفـه بغداد بود بلکه مالیات بالایی هم به بغداد ارسال می‌کرد و حمدانیان حـاکم بـر جزیـره در پـی اعلام استقلال از بغـداد بودنـد. از نظـر جغرافیـای سیاسـی جزیـره دژی مسـتحکم در برابـر امپراتوری روم، حاکمان شام، اخشیدیان و فاطمیان برای ورود بـه بغـداد بـود و ایـن ویژگـی موجب شکل‌گیری سیاست دوستانه بین آل بویه و حمدانیان می‌شد.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، جزیره، حمدانیان، عزالدوله، معزالدوله، ناصرالدوله حمدانی.

۱. مدرس دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول). bayatisomaye@yahoo.com
۲. استادیار گروه معارف دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. Zeinabkarimi24@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۰۲/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۰۲/۱۲/۲۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

The Impact of the Geography of the Jazīra Region on the Dual Policy of the Buyid Dynasty toward the Ḥamdānids (367-334)

Somayeh Bayati[1]
Zeynab Karimi[2]

Abstract

The Jazīra was a region between the Tigris (Dijlah) and Euphrates (Furāt) rivers. During the Buyid dynasty's (322-448) control over Baghdad in 334, this region was under the authority of the Ḥamdānids (293-394). After gaining control of Baghdad, Mu'izz al-Dawla engaged in numerous battles with Nasir al-Dawla Ḥamdāni and ultimately accepted the Ḥamdānids as governors (Wāliyān) of the Jazīra. The relationship between ʿIzz al-Dawla and the Ḥamdānids was friendly, but it was not free from conflict. This paper, using a descriptive-analytical method and relying on primary historical and geographical texts, seeks to answer the question: How did the geography of the Jazīra influence the formation of the Buyid dynasty's dual policy toward the Ḥamdānids from 334 to 367? The findings indicate that the economic geography of the Jazīra led to a hostile policy between the Buyids and the Ḥamdānids. The Jazīra not only supplied food, provisions, and fodder to Baghdad but also sent high taxes to Baghdad, while the Ḥamdānids ruling the Jazīra sought independence from Baghdad. From a geopolitical perspective, the Jazīra served as a stronghold against the Roman Empire, the rulers of Sham (Syria), the Ikhshīdīyūns, and the Fāṭimids attempting to enter Baghdad, which facilitated a friendly policy between the Buyids and the Ḥamdānids.

Keywords: Buyid Dynasty, Jazīra, Ḥamdānids, ʿIzz al-Dawla, Mu'izz al-Dawla, Nasir al-Dawla Ḥamdāni.

1. University Lecturer, Persian Gulf University, Bushehr, Bushehr, Iran (Corresponding Author). bayatisomaye@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Religious Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Zeinabkarimi24@yahoo.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

درآمد

در قرن چهارم هجری حمدانیان به رهبری ناصرالدوله حمدانی (حک. ۳۵۳-۳۲۳) در دیار ربیعه به مرکزیت موصل حکمرانی داشتند. سیاست آل بویه نسبت به حمدانیان موصل از آغاز تشکیل دولت در بغداد خصمانه بود. معزالدوله (حک. ۳۵٦-۳۳٤) که بر بغداد غلبه یافت و قدرت سیاسی خلافت را در اختیار گرفت و امیرالامراء جدید بغداد به‌شمار می‌رفت، درصدد برآمد تا ولایت‌های اطراف بغداد و از جمله سرزمین جزیره را زیر نفوذ خود درآورد. ناصرالدوله حمدانی نیز در تلاش بود تا از قدرت مرکزی اعلام استقلال کند و تسلط خود را بر سرتاسر جزیره حفظ کند. از این‌رو نبرد بین طرفین آغاز شد و بخش اعظمی از سال‌های حاکمیت هر دو حاکم را به خود اختصاص داد. مشخصه مهم روابط آل بویه و حمدانیان در عهد حکومتداری معزالدوله نبردهایی است که بارها بین این دو خاندان رقیب رخ داد و در نهایت در اغلب موارد با بستن عهدنامه صلح بین طرفین پایان یافت. در عهد امارت عزالدوله بختیار نیز گرچه اغلب روابط آل بویه و حمدانیان به رهبری ابوتغلب حمدانی دوستانه بود و عزالدوله سیاست صلح‌امیزی را نسبت به آنان در پیش گرفت اما در برهه‌ای از زمان حمله‌ای از سوی عزالدوله به سرزمین موصل صورت گرفت و جنگ آغاز شد. به‌رغم این جنگ‌ها و زدوخوردهای نظامی، خاندان حمدانی در موصل قدرت را در اختیار داشتند تا اینکه عضدالدوله در سال ۳٦۷ به قلمرو حمدانیان هجوم برد و سراسر جزیره را به قلمرو خود افزود (مسکویه، ٤٦۲/٦-٤٦۰).

این مقاله بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و استناد به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده تا تأثیر جغرافیایی سرزمین جزیره در ایجاد سیاست دوگانه (خصمانه و دوستانه) آل بویه در برقراری روابط با حمدانیان در دوره حکمرانی معزالدوله و عزالدوله را بررسی کند. در واقع این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که جغرافیای سرزمین جزیره چه تأثیری در شکل‌گیری سیاست دوگانه آل بویه عراق در برقراری روابط و مناسبات با حمدانیان در طی سال‌های ۳٦۷-۳۳٤ داشته است؟

فرضیه پژوهش چنین است که سیاست خصمانه آل بویه در مناسبات و روابط‌شان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

با حمدانیان موصل ریشه در جغرافیای اقتصادی این سرزمین داشت. زیـرا تنـوع بسـیار محصولات کشاورزی و دامی در جزیره از یک سو در نظام مالیات‌گیری امـرای بـویهی به‌سبب برخورداری از میزان مالیات بالا از جایگاه ویـژه‌ای برخـوردار بـود و از سـویی دیگر به‌عنوان منبعی مهم برای برآوردن و تـأمین آذوقـه و خواروبـار مـورد نیـاز عـراق به‌شمار می‌رفت. بنابراین به‌ویژه در آغاز ورود آل‌بویه به بغداد که معزالدوله با مشکلات عدیده مالی، قحطی و گرانی مواجه شد، منبعی مهم در جهت رفع این مشکلات بـود و چون حمـدانیان درصـدد اعـلام اسـتقلال از بغـداد بودنـد، حاکمـان بـویهی بـه‌منظـور دست‌یابی به این مطالبات با حمدانیان به جنـگ پرداختنـد و بـه موصـل و دیـار ربیعـه حمله‌ور شدند. با این وضع عامل معزالدوله به‌رغم پیروزی‌هـای متعـدد بـر حمـدانیان، به‌سبب وضع راهبردی جغرافیای جزیره تصمیم گرفت تا با آنان سیاست دوستانه برقرار کند و خاندان حمدانی را در جزیره ابقا کند. این سرزمین از دو جهت با امپراتوری روم شرقی مرز مشترک داشت؛ از این‌رو از نظر نظامی و سیاسی و به‌منظـور دفـاع از قلمـرو اسلامی و به‌ویژه بغداد، منطقه‌ای راهبردی به‌شمار می‌رفت. جزیره از سـویی دیگـر نیـز با سرزمین شام هم‌مرز بود. در نتیجه این سرزمین علاوه‌بر اینکه دژی مستحکم در برابـر امپراتوری روم محسوب می‌شد، سپر دفاعی مقابـل حاکمـان شـام و مـانعی بـرای ورود اخشیدیان و فاطمیان به بغداد و قلمرو خلافت بود.

پیشینه پژوهش

در مورد سرزمین جزیره به‌ویژه در دوره حمدانیان و آل بویـه بـه‌صـورت مسـتقل و مجزا تحقیق و پژوهش خاصی صورت نگرفته است؛ اما پژوهش‌ها و تألیفات چندی در مورد تاریخ حمدانیان موصل تألیف شده‌است که عبارتند از *تاریخ فاطمیان و حمـدانیان* نوشته چلونگر (۱۳۹۰ش)، مقاله «روابـط آل بویـه و حمـدانیان» نوشـته وثـوقی مطلـق (۱۳۸۵ش) و *پیشگامان حکومت‌های شیعی* معزی (۱۳۹۰ش). در این آثـار نویسـندگان پس از بیان شکل‌گیری حمدانیان موصل به ذکر درگیری بـین آل بویـه و حمـدانیان، از آغاز ورود معزالدوله به بغداد تا تسلط عضدالدوله بـر سراسـر جزیـره پرداختـه‌انـد. در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

کتابی دیگر تحت عنوان *دولت حمدانیان* تألیف سامر (۱۳۸۰ش)، نویسنده در آغاز کتاب به شرح جغرافیای سرزمین جزیره (بین النهرین عُلیا)، دیار ربیعه و موصل پرداخته و سپس موضوع نبردها و جنگ‌های صورت گرفته بین دو خاندان بویه و حمدانی را از آغاز تا پایان سقوط حکومت حمدانی بررسی کرده است.

موقعیت جغرافیایی جزیره و شهرهای آن

جزیره به سرزمینی اطلاق می‌شد که مابین دو رود دجله و فرات (ابن‌حوقل، ۲۰۸/۱) و در شمال بین‌النهرین قرار گرفته بود. بنا به گفته اصطخری (۷۵) بر سواحل شرقی رود دجله و ساحل غربی رود فرات، شهرها و روستاهایی قرار دارد که به نام سرزمین جزیره از آن یاد می‌شود. مقدسی (۱۹٤/۱) از جزیره به نام سرزمین اقور نام می‌برد. اقور یا اثور نام پیشین موصل بود (یاقوت حموی، ۹۲/۱) و مقدسی آن را برای سراسر جزیره به‌کار برده است. این سرزمین از ساحل رود فرات شامل اَنبار تا سُمَیساط می‌شد و از ساحل دجله، تَکریت تا سرزمین آمد را در برمی‌گرفت (اصطخری، ۷۵؛ حافظ ابرو، ۲۱/۲). جزیره از آمِد به سمت مغرب می‌پیچد و تا حدود ارمنیه، بلاد روم و در نهایت سرچشمه فرات امتداد می‌یابد (اصطخری، ۷۵؛ ابوالفداء، ۳۰۲). موصل مرکز حکومتی حاکمان جزیره به‌شمار می‌رفت (مقدسی، ۱۹٤/۱؛ مستوفی، ۱۲۰).

مقدسی (۱۹۲/۱) اقلیم جزیره را شامل سه منطقه دیار رَبیعه، دیار مُضَر و دیار بَکر می‌داند و نخستین آنها از سمت عراق را دیار ربیعه و سپس دیار مضر و سپس دیار بکر ذکر می‌کند. اما مورخینی چون ابن حوقل (۲۰۸/۱) و ابن فقیه (۱۷٦–۱۸۲) دیار بَکر را جزو جزیره به‌حساب نمی‌آورند و تنها قسمت‌هایی از دیار بَکر را شامل جزیره می‌دانند. اصطخری (۷۵) نیز جزیره را تنها شامل دیار ربیعه و دیار مضر می‌داند. موصل مرکز دیار ربیعه، رَقّه مرکز دیار مُضَر و آمِد مرکز دیار بَکر بود (مقدسی، ۱۹۳/۱–۱۹۲). حدود این دیارهای سه‌گانه را فاصله‌ها و مرزهای آبی تعیین می‌کرد (لسترنج، ۹۲). دیار بَکر از دجله مشروب می‌شد، دیار مُضَر در شرق فرات واقع شده بود (یاقوت حموی، ٤۲۲/۲، ٤۹٤) و دیار ربیعه نیز از دجله و رودهای منشعب از آن سیراب می‌گشت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

جغرافیای اقتصادی جزیره

سرزمین جزیره به‌سبب موقعیت جغرافیایی خود از لحاظ اقتصادی، منطقه‌ای بسیار حاصلخیز و ثروتمند بود. زیرا به دلیل واقع شدن بین دجله و فرات و رودهایی چون خابور از آب فراوانی بهره می‌برد. خابور نهری است که از چشمه‌ها فراهم می‌آمد و به فرات می‌ریخت (مقدسی، ۲۰۳/۱). علاوه‌بر این جزیره سالانه از میزان بارندگی زیاد برخوردار بود (سامر، ٧٦)؛ از این‌رو در اثر برخورداری از آب فراوان غالب اراضی و روستاهای جزیره به لحاظ کشاورزی و زراعت، باغ‌ها، تولید محصولات زراعی و خوراکی و درختان میوه بسیار متنوع و بارور بودند. به‌طور کلی در نتیجه فراوانی آب و بارندگی بسیار، کشاورزان در شهرهای جزیره چون بَلَد، دارا و نصیبین به‌صورت دیم، کشت می‌کردند (اصطخری، ٧٧-٧٦).

سنجار زراعت و بستان‌های بسیار داشت که از آنان محصولاتی چون خرما، نارنج و ترنج، زیتون، انجیر و انگور برداشت می‌شد؛ طوری که گفته شده‌است در هیچ جای سرزمین جزیره جز سنجار خرما یافت نمی‌شد (جیهانی، ۹۲؛ اصطخری، ۷۷). نصیبین که خرم‌ترین شهر از شهرهای جزیره بود (*حدود العالم*، ۱۵۵) به دارا بودن مزارع و کشاورزی بسیار، به بوستان‌ها و درختان میوه‌دار، انواع برنج، گندم، تاکستان و نیز مراتع و چراگاه‌های پربار مشهور بود (ابن‌حوقل، ۲۱۱/۱). دارا شهری با درختان و کشاورزی بسیار و محصولات و فراورده‌های متنوع بود؛ به‌طوری که خوردنی و نوشیدنی در آن شهر تقریباً مجانی بود (جیهانی، ۹۲؛ ابن‌حوقل، ۲۲۱/۱). تکریت که در میان موصل و بغداد قرار داشت (یاقوت حموی، ۳۸/۲)، مرکز تولید کنجد به‌شمار می‌رفت (مقدسی، ۱۷۰/۱). در موصل کوهی بود که به دلیل فراوانی درختانش به آن شعران می‌گفتند (ابن فقیه، ۱۷۹). شعران به‌سبب فراوانی درختانی چون تاک و گلابی رنگ سیاه و کبودی داشت. در موصل به‌ویژه در عصر بنی‌حمدان که مقر حکومتی آنان بود، باغ‌های فراوان و درختان میوه چون انگور و خرما کاشته شد و زراعت و کشاورزی رونق یافت (ابن‌حوقل، ۲۱۵/۱). اَرزَن شهری آباد بود که محصولات فراوانی چون غلات و پنبه در آن کشت می‌شد (ناصرخسرو، ۱۱). در جزیره گیاهان صنعتی و مقدم بر همه، پنبه که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

در صنعت نساجی و پارچه بافی بـه کـار مـی‌رفـت، کاشـته مـی‌شـد (سـامر، ۱۱۲). در راس‌العین که باغداری و کشاورزی بسیار داشت، بیش از همه چیز، پنبه کشت مـی‌شـد (اصطخری، ۷۷). در حرّان نیز پنبه نیکـو برداشـت مـی‌شـد (مقدسـی، ۱۹۹/۱). جزیـره همچنین به دلیل پـرورش و نگـه‌داری حیوانـاتی چـون گـاو، گوسـفند، شـتر و اسـب (اصطخری، ۷۹) دارای محصولات دامی فراوان بود. چنان‌کـه موصـل گوشـت مرغـوب داشت؛ علاوه‌بر این به‌سبب فراوانی پوست حیوانات در شهرهای جزیـره مثـل سـنجار، کفشگران بسیاری مشغول به‌کار بودند (مقدسی، ۱۹٤/۱، ۱۹٦).

فراوانی و تنوع محصولات زراعی و باغی سبب ارزانی قیمت‌ها شده بود. ابن حوقـل (۲۱۱/۱) در این باره می‌نویسد که در بیشتر شهرها و آبادی‌های جزیره، غلات، حبوبات و میوه ارزان بود (نیز نک. مقدسی، ۱۹۹/۱، ۱۹۸، ۱۹٦). فراوانـی و ارزانـی محصـولات کشاورزی و دامی در جزیره موجب کشمکش‌های سیاسی نیروهای آن روزگار بـر سـر تصرف و تملک آن سرزمین شده بود (سامر، ۱۱٤).

جغرافیای سیاسی جزیره

جنوب جزیره به عراق، شمال و شرق آن به سرزمین ارمنیه و امپراتوری روم و غرب آن به شام متصل بود (ابن‌حوقل، ۲۰۸/۱؛ ابوالفداء، ۳۰۲). رقّه، کرسی دیار مُضر، هم‌مرز با شام بود (مقدسی، ۱۹۸/۱). سرزمین ارمنیه که می‌توانست زمینه حمله به جزیـره را از سمت شمال و مغرب فراهم کند، در آن زمـان تحـت سـلطه و تابعیـت امپراتـوری روم شرقی بود. حافظ ابرو (۱۹/۲) در رابطه با ارمنیه می‌نویسد کـه ولایـت ارمنیـه در پـیش ولایت فرنگستان و به منزلت دهلیز آنجاسـت. ایـن در حـالی بـود کـه آمِـد، بـه‌عنـوان مرکزیت دیار بَکر، در مجاورت سرزمین ارمنیه قرار داشـت (همـان، ۲۱/۲) و شـهرهای میّافارقین و ارزن متصل به ارمنیه بودند (قدامه بن جعفر، ۱۱۳). در این صـورت جزیـره در قرن چهارم هجری در معرض حملات مستمر روم قرار داشت (ابن حوقل، ۲۱۲/۱).

روابط و مناسبات آل بویه و حمدانیان موصل (۳۶۷-۳۳۴)

از زمانی‌که معزالدوله وارد بغداد شد تا سال ۳٦۷ که عضدالدوله بر بغداد غلبه کرد و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

دیار ربیعه و موصل را ضمیمه قلمرو خود کرد، مشخصه مهم روابط خاندان بویه و حمدانیان موصل، به‌ویژه در عهد حکومتداری معزالدوله نبردهایی است که بارها بین این دو خاندان رخ داد و در نهایت در اغلب موارد با بستن عهدنامه صلح بین طرفین پایان پذیرفت.

با تلاش ناصرالدوله حمدانی برای حفظ استقلال سرزمین خود، کشمکش و زدوخورد بین معزالدوله و حمدانیان با لشکرکشی معزالدوله در سال ۳۳٤ به موصل آغاز شد (ابن‌جوزی، ٤٧/١٤). ناصرالدوله زمانی که از قطعیت تسلط خاندان بویه بر بغداد و خلافت اطمینان یافت، طی ارسال نامه‌ای به معزالدوله در سال ۳۳۵ خواستار برقراری آشتی و بستن پیمان صلح بین طرفین شد (مسکویه، ١٤٥/٦). اما برخلاف معاهده صلح، کشمکش و نبرد بین این دو خاندان همچنان تا سال ۳۵۳ ادامه یافت که در ادامه مختصراً به این نبردها اشاره می‌شود: حمله معزالدوله در سال ۳۳۷ به موصل که با بستن عهدنامه صلح پایان یافت (همان، ١٥٢/٦)؛ معزالدوله مجدداً در سال ۳٤۷ برای جنگ با ناصرالدوله حمدانی به سوی موصل حرکت کرد (ابن‌اثیر، ٢٤٠/٢٠-٢٣٩)؛ معزالدوله در نهایت در سال ۳۵۳ به موصل لشکر کشید؛ در آن سال نیز پیمانی بین ناصرالدوله و معزالدوله بسته شد که طبق آن ناصرالدوله می‌بایست برای سال قبل یک میلیون درهم و برای سال‌های ۳۵۳ و ۳٥٤ دو میلیون درهم پرداخت کند. اما ناصرالدوله این بار نیز خلف وعده کرد و از ارسال خراج امتناع ورزید (مسکویه، ٢٥٥/٦). در نتیجه جنگ بین طرفین آغاز شد که منتهی به برکناری ناصرالدوله از حکومت و واگذاری قدرت به فرزندش ابوتغلب شد.

در آغاز حکومت عزالدوله بختیار وحدت حمدانیان از بین رفت و فرزندان ناصرالدوله درگیر جنگ و نزاع داخلی شدند؛ از این‌رو ابوتغلب خود را نیازمند مدارا با دولت مرکزی بغداد دید. ابوتغلب به بختیار نزدیک شد و قراردادی مبنی‌بر پرداخت یک میلیون و دویست هزار درهم با او منعقد کرد (ابن‌اثیر، ٢٩٢/٢٠). عزالدوله بختیار در آن زمان نسبت به حمدانیان سیاستی دوستانه برگزید و در تلاش بود تا اختلافات و تنش‌های به وجود آمده در بین فرزندان ناصرالدوله یعنی حمدان وابوتغلب را از میان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

بردارد (مسکویه، ۳۱۲/٦).

برخلاف روابط دوستانه بختیار و ابوتغلب حمدانی، بختیار در سال ۳٦۳ به موصل لشکر کشید. ابوتغلب حمدانی نیز همانند پدرش فرصت را غنیمت شمرد و چون بغداد را از خلیفه و سلطان بویهی خالی یافت با سپاهیان خود رهسپار بغداد شد. ابوتغلب وارد بغداد شد و در آنجا اقامت گزید. بختیار که از این امر آگاهی یافت ناگزیر با حمدانیان صلح کرد (ابن اثیر، ٤٤/۲۱).

برخلاف حمله بختیار به موصل، زمانی‌که او با شورش ترکان مواجه شده بود و در واسط در محاصره آنان قرار گرفته بود، دوباره دست دوستی به سمت ابوتغلب حمدانی دراز کرد و تقاضا کرد تا در برابر شورش ترکان، او را یاری و مساعدت کند. ابوتغلب تقاضای بختیار را پذیرفت و به‌منظور یاری او، سپاهی را روانه بغداد کرد (مسکویه، ۳۹٦/٦). در نهایت هنگامی‌که عضدالدوله آهنگ فتح بغداد کرد، عزالدوله بختیار که وخامت اوضاع را دید و یارای مقابله با عضدالدوله را نداشت از ابوتغلب حمدانی تقاضای کمک و یاری کرد. ابوتغلب نیز بنا به شرایطی درخواست بختیار را پذیرفت (همان، ٤٤۹/٦–٤٤۸)؛ اما نیروهای متحد عزالدوله و حمدانیان شکست خوردند. با پیروزی عضدالدوله بر عزالدوله بختیار در سال ۳٦۷ عضدالدوله وارد موصل شد و به ترتیب دیار ربیعه، میافارقین، آمد، و دیار مضر و به عبارتی سراسر جزیره را گرفت و به قلمرو آل بویه افزود (ابن اثیر، ۱۰۷/۲۱).

جغرافیای اقتصادی و سیاست خصمانه

معزالدوله در سال ۳۳٤ بلافاصله پس از ورود به بغداد و تسلط بر خلافت عباسی سیاست تهاجمی خود را نسبت به حمدانیان آغاز کرد و به آنان حمله برد. به عبارتی سیاست معزالدوله در بدو ورود به بغداد نسبت به خاندان حمدانی موصل خصمانه بود. عامل کلیدی در شکل‌گیری این سیاست خصمانه جغرافیای اقتصادی جزیره بود. جزیره معاصر با سلسله آل بویه در عراق، از ثروتمندترین و توانمندترین سرزمین‌های اسلامی به‌شمار می‌رفت. این سرزمین یک منبع مالی ثروتمند و قابل‌توجه برای آمال و اهداف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

حاکمان بویهی و حکومت مرکزی بغداد محسوب می‌شد و نقش عمده‌ای در رفع مشکلات مالی آنان داشت؛ به‌خصوص زمانی‌که سلاطین دچار بحران مالی چون قحطی و گرانی بودند، بر ارزش این سرزمین افزوده می‌شد. این امر در حالی بود که خاندان حمدانی موصل در تلاش برای اعلام استقلال از بغداد و عدم پرداخت مالیات به بغداد بودند. در ادامه به مطالبات و نیازمندی‌های اقتصادی آل بویه اشاره می‌شود و سپس تأثیر هر کدام از این مطالبات در شکل‌گیری سیاست آل بویه نسبت به حمدانیان بررسی می‌شود. نیاز اقتصادی و مالی آل بویه به جزیره عبارت بود از:

الف) تأمین موادغذایی، آذوقه و خواروبار مورد نیاز مردم بغداد و علوفه چارپایان: شرایط مناسب کشاورزی و زراعت در کاشت انواع برنج، گندم، جو، حبوبات و وجود باغستان‌ها و درختان میوه در جزیره سبب شده بود که این سرزمین بیشتر آذوقه عراق را تامین کند (مقدسی، ۱۹۱/۱). موصل سلطان‌نشین جزیره (ابن‌حوقل، ۲۱۵/۱) و منبع تأمین خواروبار بغداد به‌حساب می‌آمد (مقدسی، ۱۹٤/۱). موصل مواد غذایی بغداد را در هر چهار فصل سال تأمین می‌کرد (دیوه‌جی، ٦). بنا به گفته اصطخری (۷۹) انبار نیز شهری آباد با نخل و کشاورزی و نعمت فراوان بود و حوائج بسیاری از آن شهر به سوی بغداد می‌رسید. محصولات زمستانی و تابستانی سنجار از زیتون، ترنج، گردو، بادام، سماق، کنجد، انار و خرما به سمت عراق فرستاده می‌شد (ابن‌حوقل، ۲۲۰/۱). شهرهای رقه، بَلَد و حَدیثه آرد عراق را تأمین می‌کردند. ابن‌حوقل (۲۱۹/۱) در این باره می‌نویسد در شهر بلد که غلات فراوان داشت آسیاب‌هایی بود که آرد عراق را تأمین می‌کرد. از جزیره ابن‌عمر، با کشتی نمک به عراق می‌بردند (قدامه‌بن‌جعفر، ۱۷٦). قرقیسا نیز دارای بستان‌ها و درختان فراوان بود و میوه‌هایش به سمت عراق فرستاده می‌شد (ابن‌حوقل، ۲۲۷/۱).

جزیره در تأمین مواد غذایی و آذوقه بغداد، آنچنان اهمیت داشت که در صورت ممانعت حمدانیان، از فرستادن محصولات زراعی و دامی و علوفه به بغداد، مردم بغداد دچار گرانی و قحطی و کمبود آذوقه می‌شدند. از جمله اینکه در سال ۳۳٤ حین نبرد بین خاندان بویه و حمدانیان، ناصرالدوله و لشکریانش از ارسال محصولات گردآوری

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

شده در موصل، به سمت بغداد ممانعت به عمل آوردند. در نتیجه چون معزالدوله تـوان به دست آوردن علوفه و خواربار مردم بغداد را نداشت، او و لشکریانش دچـار قحطـی شدند و در مضیقه افتادند. قحطی پیش آمده در بغداد، منجر به گرانی و افزایش بـیش از حد قیمت‌ها شد؛ چنان‌که بهای نان چندین برابر افزایش یافت. زیرا جزیره منبـع اصـلی تأمین آرد بغداد بود و چون ناصرالدوله از ارسال آرد به بغداد جلوگیری کرد، مقدار آرد کاهش یافت. به دلیل کاهش مقدار آرد، معزالدوله ناگزیر بـود کـه آرد مـورد نیـاز را بـا قیمتی چندین برابر خریداری کند. افزایش قیمت آرد نیز، بهای بـالای نـان را بـه دنبـال داشت (مسکویه، ۱۲٦/٦–۱۲۵؛ ابـن‌اثیـر، ۱۷۱/۲۰). از ایـن‌رو معزالدولـه زمـانی کـه بـا قحطی و گرانی روبه‌رو شد طی یک معاهده صلح در سال ۳۳۵ از ناصرالدوله حمـدانی خواست که آذوقه و مواد غذایی بغداد را بدون گرفتن مالیـات، تـأمین کنـد (مسـکویه، ۱٤٥/٦). معزالدوله که از فراوانی محصولات و خواروبـار در شـهرهای جزیـره، آگـاهی داشت و می‌دانست که بخش اعظم تهیه آذوقه و خواروبار و حتی علوفـه چارپایـان بـر عهده موصل و جزیره است، در پیمان‌نامه‌ها و عهدنامه‌های صلح با حمـدانیان، بـر آنـان تحمیل کرد تا مواد غذایی مورد نیاز مردم بغداد و چارپایان را تأمین کنند.

اهمیت جغرافیای اقتصادی سرزمین جزیره در تأمین آذوقـه و خواروبـار مـورد نیـاز مردم بغداد در زمان امارت و حاکمیت عزّالدوله بختیار زمانی چنان بود که وی در سـال ۳٦۱ برای نبرد با امپراتوری روم شرقی که به قلمرو مسلمانان هجـوم آورده بودنـد، بـه ابوتغلب حمدانی نامه نوشت و تقاضا کـرد کـه خواربـار و علوفـه مـورد نیـاز را بـرای سپاهیانش فراهم کند (ابن‌اثیر، ۳۰/۲۱). به‌عـلاوه اینکـه عزالدولـه بختیـار در سـال ۳٦۳ به‌منظور به‌دست آوردن مال فراوان و گردآوری علوفه چارپایان و آذوقه مردم بغـداد بـه موصل لشکر کشید و به نبرد با حمدانیان پرداخت (مسکویه، ۳۷۸/٦).

آگاهی حمدانیان موصل از نقش سرزمین جزیره در تأمین آذوقه و علوفه مـورد نیـاز مردم بغداد، سبب شد آنان نیز از این فرصت بهره فراوان ببرند. برای مثـال مـواقعی کـه حمدانیان در پی راضی کردن و جلب حمایت سلاطین بویهی بودنـد فرصـت را مغتـنم می‌شمردند و به آنان وعده تأمین آذوقه، علوفه و مواد غذایی می‌دادند. چنان‌کـه بنـا بـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

گفته مسکویه (٤٤٩/٦)، ابوتغلب زمانی‌که با شورش برادرش حمدان مواجه شد برای اینکه عزّالدوله بختیار را راضی کند تا برادرش حمدان را به موصل تسلیم کند، برای او اندکی پیشکش، علوفه و خواربار به بغداد فرستاد.

ب) خراج اراضی و مالیات: جزیره سالانه مالیات بسیاری را به دستگاه حاکمان بویهی و خلافت پرداخت می‌کرد؛ چنانکه ابن‌حوقل (٢٢٤/١) می‌نویسد دنیسر شهری بود که خراج و مقاطعه بالا داشت. جزیره اقلیمی بود که مردمش به‌سبب حاصلخیز بودن آن در رفاه بودند و برای سلطان آن سرزمین خراج و مالیات زیادی داشت (همان، ٢٠٩/١). ابن حوقل که در سال ۳۵۸ در مجلس برآورد مالیات نصیبین در زمان ابوتغلب در موصل حضور داشت، می‌نویسد که از گندم، جو، برنج و حبوبات ۵۰۰۰ درهم، سرانه اهل ذمه ۵۰۰۰ دینار، عوارض شراب ۵۰۰۰ دینار، مالیات گاو، گوسفند و تره‌بار و میوه ۵۰۰۰ دینار، مالیات مستغلات و املاک ١٦٠٠٠ دینار، برآورد محصول حبوبات روستای ابنین ١٠٠٠٠٠٠ درهم، شیره نوشیدنی‌ها و سرانه آدم‌ها و آسیاب‌ها ۳۰۰۰۰ دینار خراج و مالیات دریافت می‌شد. وی درباره تعیین مقاطعه سال موصل می‌نویسد که مالیات آسیاب‌ها و جزیه جمعاً ۳۰۰۰۰ دینار، مالیات حاصل از گندم و جو غیر از نینوا و مرج ٦٠٠٠ هزار کُر به قیمت ۳۰۰۰۰۰۰ درهم، حبوبات دیگر سیصد کُر به قیمت ١٠٠٠٠ دینار، مهاجرنشین‌ها و ذمیان و چراگاه‌ها و دیگر مستغلات ١٠٠٠٠ دینار، برقعید دو هزار دینار یا ۳۰۰۰۰ درهم، مالیات بازبدی از گندم و جو دو هزار کُر معادل ١٠٠٠٠٠٠ درهم. ابن حوقل تضمین مالیات موصل و نواحی اطراف آن را جمعاً شانزده میلیون و دویست و نود هزار درهم برآورد کرده است (همان، ٢١٤/١، ٢١٨–٢١٧).

سرزمین جزیره که به‌سبب فراوانی محصولات کشاورزی و دامی از خراج و مالیات بالایی برخوردار بود یکی از منابع مالی بسیار مهم در سیستم مالیات‌گیری آل بویه و یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی آنان محسوب می‌شد؛ از این‌رو کارکرد اقتصادی جزیره عامل اصلی شکل‌گیری روابط خصمانه معزالدوله و ناصرالدوله حمدانی بود. گرچه در منابع قرن چهارم هجری چون *تجارب الامم* که مهم‌ترین منبع جهت بررسی تاریخ آل بویه و روابط‌شان با حکومت‌های همجوار به شمار می‌رود، اشاره‌ای به دلیل حمله

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

معزالدوله یک ماه پس از ورودش به بغداد در سال ۳۳٤ نشده‌است؛ اما با توجه به اینکه در سال‌های قبل از ورود آل بویه به بغـداد و دوران خلافـت متقـی (حـک.۳۳۳-۳۲۹)، ناصرالدوله در سال ۳۲٦ از فرستادن خراج و مالیـات جلـوگیری کـرده بـود (مسـکویه، ۹/٦) و همچنین با توجه به سابقه او در عدم پرداخت مالیات به بغداد در طی سال‌هـای حکومت معزالدوله، باید گفت که چون ناصرالدوله حمدانی از پرداخت مالیـات موصـل به حکومت مرکزی بغداد ممانعت به عمل آورده بود، سبب شده بود تا معزالدولـه یـک ماه پس از ورودش به بغداد به موصل حمله‌ور شود.

معزالدوله که از سال ۳۳٤ به قدرت رسید تا سال ۳۵٦ که از دنیا رفت، چهار بـار بـه قلمرو حمدانیان حمله کرد. در منابع مربوط به آل بویه دو بار اشاره شده کـه معزالدولـه به‌سبب جلوگیری ناصرالدوله از پرداخت خراج و مالیات به بغداد به موصل حمله کرده است. نخستین بار مسکویه (۲۱٦/٦) ذیل وقایع مربوط به سـال ۳٤۷ بیـان مـی‌کنـد کـه به‌سبب اینکه حمدانیان مالیات سال قبل را پرداخت نکرده بودنـد حملـه معزالدولـه بـه قلمرو حمدانیان در این سال صورت گرفت. دومین بار ذیل وقایع مربوط بـه سـال ۳٤۸ و گزارش مربوط به تسلط معزالدوله بر دیار ربیعه و دیار مضر بیان می‌کند که معزالدوله به دلایلی از جمله تنگدستی مالی و به تعویق افتادن مالیات‌ها (همان، ۲۲۱/٦) به موصل لشکر کشید. عزّالدوله بختیار زمانی‌که با مشکلات مالی و قحطـی مواجـه شـد در سـال ۳٦۳ به موصل لشکر کشید. مسکویه (۳۷۸/٦) ضـمن اینکـه بیـان مـی‌کنـد در آن سـال بختیار به امید به‌دست آوردن مالیات موصل راهی آنجا شد، ذکر می‌کنـد کـه ابوالفضـل وزیر بختیار نیز او را تشویق می‌کرد تا به‌منظور به‌دست آوردن علوفه چارپایان و آذوقـه بغداد به موصل لشکرکشی کند. در واقع بختیار در تلاش بود از این طریق بحـران مـالی بغداد را حل کند (فرای و دیگران، ۲۳۰/٤).

جغرافیای سیاسی و سیاست دوستانه

با توجه به جغرافیای سیاسی جزیره که از دو جهت شمال و شرق به امپراتـوری روم متصل بود و از طرف غرب نیز به شام پیوسته بود، این سرزمین از نظر نظامی و سیاسـی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

بـرای دفـاع از قلمـرو اسـلامی و جلـوگیری از ورود بیگانگـان، منطقـه‌ای راهبـردی و ارزشمند برای امیران بویهی بود. اهمیت مناطق جزیـره در دفـاع از مرزهـای اسـلام در دوره اول عباسی مشهود است. چنان‌که هارون الرشید (۱۹۳–۱۷۰) از آغاز خلافتش بـر سنگربندی مناطق مرزی مجاور سرزمین روم و تقویـت سـپاه عباسـی مرزبـان در آنجـا همت گماشت. او برای مناطق مرزی دو سازمان درست کـرد: سـازمان پـیشِ رو شـامل ثغور جزیره و شام که به رویـارویی بـا گـذرگاه‌هـای کوهسـتانی اختصـاص داشـت و عواصم یا سازمان پشتی که وظیفه آن پشتیبانی از مناطق ثغور و کمک رسانی به وسـیله ساز و برگ جنگی نیروی نظامی و خواروبار بود (طقوش، ۹۸).

زمانی‌که خلیفه مقتدر (۳۲۰–۲۹۵)، در سال ۳۱۹ ابن حمدان را به والی‌گـری موصـل و دیار ربیعه انتخاب کرد، در عوض واگذاری آن ایالت با او شـرط کـرده بـود کـه ابـن حمدان به جنگ و غزای امپراتوری روم اقدام کند و ملطیه را از روم پـس بگیـرد؛ زیـرا اهل آن جزیره تسلیم رومیان شده و کلید درهای شهر را به رومیان داده بودند (ابن‌اثیـر، ۲۶۳/۱۹).

نامه‌هایی به عزالدوله بختیار در سال ۳۶۱ رسید که امپراتـور روم شـرقی بـر نصـیبین یورش آورده، دست به کشتار مردان زده و زنان و کودکان را اسیر کرده اسـت. گروهـی از مردم دیار ربیعه و دیاربکر که سرزمین خود را در معرض هجوم رومیان می‌دیدند بـه بغداد آمدند و مردم را برای مقابله با رومیان بسیج کردند. ایـن جماعـت بـرای تشـویق بغدادیان برای مقابله با رومیان به آنها می‌گفتند که سرزمین ما (جزیره) به عراق پیوسـته است و در این صورت راه رومیان برای تصرف عراق نیز باز اسـت (مسـکویه، ۳۶۵/۶). این امر به‌خوبی بیانگر موقعیت راهبردی جزیره در دفاع از عراق است. به‌عـلاوه اینکـه در شمال سرزمین جزیره و در مرز امپراتوری روم، کـوه‌هـا و تپـه‌هـایی کـه بـه لحـاظ استحکامات نظامی اهمیت داشت، مشهود بود. بسیاری از شهرهای این منطقه بر بلنـدی ساخته شده بود و به شیوه قرون وسطی دارای قلعه و دژ بود که در برابر دشـمن بتوانـد بایستد. حتی بیشتر اسامی این شهرها مثل حصن کیفا، تل فاقان و حصن عرفه بـا کلمـه حصن و تل همراه است (سامر، ۷۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

جزیره با شام نیز مرز مشترک داشت. سرزمین شـام در آغـاز شـکل‌گیـری آل بویـه در عراق، در اختیار اخشیدیان قرار داشت و پس از آنان نیز، فاطمیان آنجا را تصرف کردنـد و بر آن غلبه یافتند. در نتیجه باید گفت جزیره علاوه‌بـر اینکـه بـه‌عنـوان دژی مسـتحکم در برابر حملات امپراتوری روم شرقی محسوب می‌شد، سپر دفاعی مقابل شام و مانعی بـرای ورود اخشیدیان و سپس فاطمیان به بغداد و قلمرو خلافت اسلامی نیز به‌شمار مـی‌رفـت. به همین‌رو معزالدوله به‌منظور مقاومت در برابر اخشیدیان و فاطمیان، طـی قـرارداد صـلح با ناصرالدوله حمدانی، دفاع از نواحی غربی قلمرو اسلامی و عراق را به حمدانیان واگـذار کرد و قلمرو آنان را به سمت مصر و شام گسترش داد که در دست اخشیدیان و فاطمیـان بود (مسکویه، ١٤٥/٦). طبق این قرارداد، معزالدوله قلمرو حمـدانیان را بـه سـمت شـام و مصر گسترش داد؛ زیرا قدرت‌هایی که از سمت غرب آرزوی تسـلط بـر بغـداد و قلمـرو خلافت اسلامی را در سر داشتند و رقیب حاکمان و خلفای بغداد بودند، به‌سبب موقعیـت جغرافیایی جزیره ناگزیر به غلبه بر این منطقه بودند.

خاندان بویه برای تسلط بر قلمرو میان مصر و بـین‌النهـرین بـا فاطمیـان بـه رقابـت پرداختند. در عهد عضدالدوله مرز غربی حکومت آل بویه را به هنگام بیشـترین توسـعه آن، مرز قلمرو فاطمیان تشکیل می‌داد (کرمر، ١٣٦)؛ در حالی‌که دولت فاطمیـان روابـط خوبی با حمدانیان و آل بویه نداشتند.

با توجه به نبردهای بین معزالدوله و ناصرالدوله حمدانی باید گفت اهمیت حمدانیان در سرزمین جزیره در حفظ سرحدات اسلامی مجاور روم شـرقی (ثغـور) و نیـز حفـظ امنیت داخلی قلمرو خلافت و حکومت آل بویه، از دست‌انـدازی قبایـل کـرد و عـرب نواحی جزیره، چون خوارج و قرامطه (سامر، ٣٠٩)، عباسیان و آل‌بویـه را بـه مـدارا بـا آنان وامی‌داشت؛ به‌ویژه با توجه به اینکه آل بویه در بغداد با مشکلات فراوانی روبـه‌رو بودند که مهم‌ترین آن درگیری سنتی میان ترک و دیلـم بـود. در واقـع عامـل اصـلی در تصمیم‌گیری معزالدوله مبنی بر ابقای خاندان حمدانی در جزیره به‌رغم پیروزی‌های پـی در پی علیه حمدانیان و عهدشکنی‌های مداوم ناصرالدوله حمـدانی، جغرافیـای سیاسـی جزیره بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

نتیجه

وضع جغرافیایی سرزمین‌ها در ساختار و روابط حکومت‌ها اهمیت بسیاری دارد؛ چنانچه سرزمین جزیره به‌سبب موقعیت جغرافیایی خود از دو جهت اقتصادی و سیاسی در حکومت آل بویه عراق حائز اهمیت بود. جغرافیای اقتصادی جزیره در رویارویی و تقابل و رقابت امرای بویهی و حمدانیان و شکل‌گیری سیاست خصمانه آل بویه در روابط با حمدانیان تأثیر داشت. امیران بویهی از لحاظ اقتصادی و مالی نیاز شدیدی به جزیره داشتند و از یک سو به دنبال کسب مالیات جزیره بودند و از سویی دیگر در پی تأمین آذوقه، خواروبار و علوفه چارپایان بودند. حمدانیان نیز در پی اعلام استقلال و جدایی از بغداد و دستگاه خلافت بودند و از پرداخت مالیات به بغداد جلوگیری می‌کردند. برخلاف جغرافیای اقتصادی جزیره که زد و خورد بین آل بویه و حمدانیان را در پی داشت؛ جغرافیای سیاسی آن باعث تداوم قدرت حمدانیان به‌عنوان والیان موصل و سرزمین جزیره می‌شد. موقعیت جغرافیایی جزیره به دلیل پیوستگی به سرزمین ارمنیه و شام از یک سو حاکی از اهمیت سیاسی، نظامی و راهبردی جزیره برای دفاع در مقابل حملات فاطمیان و روم شرقی بود و از سویی دیگر سپر دفاعی مهمی برای جلوگیری از ورود حاکمان شام اعم از اخشیدیان و فاطمیان به بغداد و قلمرو خلافت اسلامی محسوب می‌شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6] [Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

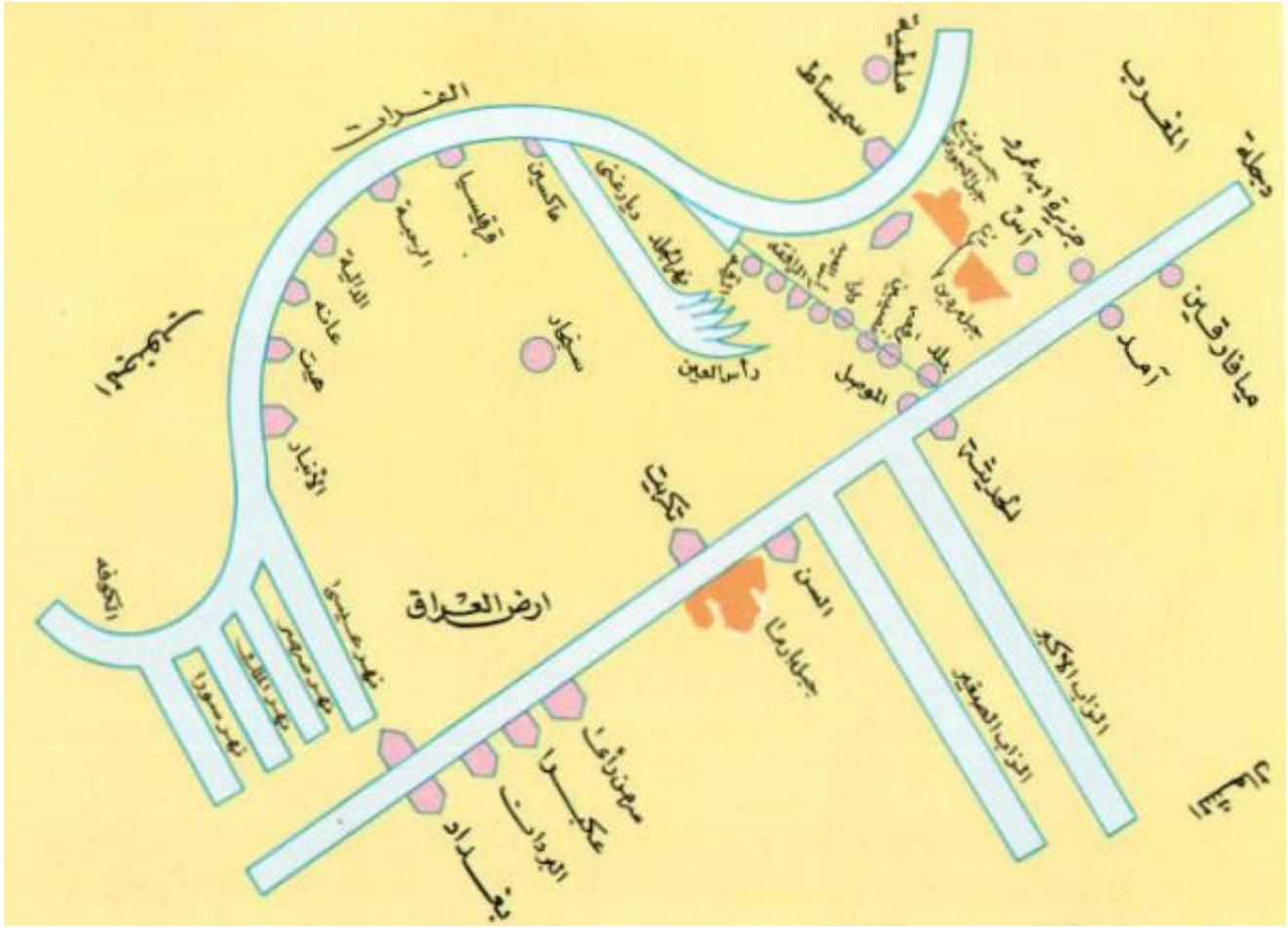

سرزمین جزیره (اصطخری، ۷۵)

منابع

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٢.
- ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق، البلدان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶.
- ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش.
- ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل، صوره الارض، بیروت، دار الصادر، ۱۹۳۸.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، تاریخ ابی‌الفداء المسمی المختصر فی اخبار البشر، محقق محمود دیوب، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، المسالک و الممالک، قاهره، الهیئه العامه لقصور الثقافه، [بی‌تا].
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، [بی‌جا]، انتشارات آستان قدس رضوی، ١٣٦٨ش.
- چلونگر، محمدعلی، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، تهران، سمت با همکاری دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۰ش.
- حافظ ابرو، شمس الدین، جغرافیای حافظ آبرو، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵ش.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، ١٣٦٢ش.
- دیوه جی، سعید، الموصل ام الربیعین، بغداد، مطبعه الحکومه، ١٩٦٥.
- سامر، فیصل، دولت حمدانیان، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ش.
- طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٩٤ش.
- فرای، ریچارد نلسون و دیگران، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا برآمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.
- قدامه بن جعفر، الخراج و صناعه الکتابه، بغداد، دارالرشید للنشر، ۱۹۸۱.
- کرمر، جوئل، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه سعید حنایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ش.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ١٣٦٢ش.
- مسکویه، ابوعلی، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، توس، ١٣٧٦ش.
- معزی، مریم، پیشگامان حکومت‌های شیعی (تاریخ حمدانیان و فاطمیان)، تهران، سمت، ۱۳۹۰ش.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان، ١٣٦١ش.
- ناصرخسرو، سفرنامه ناصر خسرو، تهران، زوار، ۱۳۸۱ش.
- وثوقی مطلق، رجبعلی، «روابط آل بویه و حمدانیان»، پژوهشنامه تاریخ، ش۵، زمستان، ۱۳۸۵، ص١٧٤-١٥٣.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دار الصادر، ۱۹۹۵.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.6]